

عوامل ناسازگاری دختران با والدین

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا*

مقدمه

اختلاف نظر در خانواده، میان والدین و دختران و ناسازگاری بین آنها، پدیده‌ای است که اکنون بیش از پیش، در خانواده‌های ایرانی شایع شده و شکایت دختران از والدین و گله‌مندی والدین از دختران زیاد شده است. بیشتر والدین، از اینکه فرزندان‌شان به حرف‌های آنها گوش نمی‌دهند، شکایت دارند. در مقابل، بسیاری از فرزندان، به‌ویژه دختران نیز، گله‌مندند که چرا والدین، آنها را درک نمی‌کنند و بیشتر دستور می‌دهند و نصیحت می‌کنند؟ همه می‌پرسند: «چرا دختران مانند گذشته حرف شنوی ندارند؟» «آخرین بررسی‌های انجام‌شده توسط اداره سلامت نوجوانان و جوانان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، نشان می‌دهد که ۵۹ درصد دخترها و ۴۰ درصد پسرها، با خانواده احساس راحتی نمی‌کنند.»^۱

البته ناسازگاری و اختلاف نظر میان والدین و دختران جوان که معمولاً بین

* استادیار دانشگاه کاشان.

۱. سلامت نیوز: ۲۶/۱۰/۱۳۹۲، کد خبر: ۱۰۳۸۸۶.

دوازده تا هجده سالگی است، امری عادی و طبیعی است. والدین متعلق به نسلی و دختران متعلق به نسلی دیگرند و این تفاوت نسل‌ها، ناگزیر ویژگی‌های فردی متفاوتی برای آنان رقم زده است. با این حال، کشمکش بین نسلی و ناسازگاری دختران با والدین، این نگرانی را ایجاد می‌کند که در صورت عدم مدیریت صحیح آن، فاصله‌ای عمیق میان جوان و خانواده‌اش به وجود آید؛ در نتیجه آسیب‌های اجتماعی نیز در جامعه گسترش یابد. در وضعیتی که والدین، نوجوانان را ناسازگار می‌پندارند و نوجوانان هم رفتار والدین خود را قبول ندارند، امکان وقوع بسیاری از حوادث ناگوار برای نوجوان وجود دارد. پرسش اساسی آن است که برای به حداقل رساندن اختلاف نظرها و کاستن ناسازگاری‌ها چه می‌توان کرد؟ شکی نیست که مادران به دلیل نزدیکی با دختران، مهم‌ترین نقش در افزایش یا کاهش تضاد و ناسازگاری دختران در کانون خانواده دارند؛ لذا بالابردن سطح آگاهی خانواده‌ها، برای پیش‌گیری از به وجود آمدن چنین رفتارهایی، ضروری به نظر می‌رسد.

علل و انگیزه‌های ناسازگاری دختران

عوامل مختلفی در ناسازگاری دختران دخالت دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. علل زیستی

نقص‌های مادرزادی، معلولیت‌های جسمی و ذهنی، دردهای مبهم بدن، وضع ترشح غدد، اختلالات معدوی، وجود انگل، آلرژی، آسم و ناراحتی‌های عصبی، از عوامل مربوط به شرایط شخصی فرد است که می‌تواند به ناسازگاری با محیط اطراف منجر شود.

۲. علل اجتماعی

ناسامانی، اختلاف و درگیری بین اعضای خانواده، طلاق، بدآموزی از الگوهای خانه، مدرسه و جامعه، مشکلات اقتصادی، اختلاف نسلی و غیره، در بروز ناسازگاری و تضاد دختران با والدین، نقش بسزایی دارد. از آنجا که در جامعه با جمعیت جوان روبه‌رو هستیم، تفاوت و اختلاف نسلی، حائز اهمیت است؛ از این رو به اختصار آن را مطرح می‌کنیم.

از نظر اصطلاحی، شکاف نسلی به معنی «بریده‌شدن و منفرد گشتن از دوست یا کسی است.»^۱ مفهوم فاصله نسلی نیز با شکاف نسلی مترادف است؛ طوری که فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود.^۲

فاصله نسلی، نسل‌های مختلف را به لحاظ ارزش و هنجاری از یکدیگر متفاوت می‌کند؛ طوری که جوانان در ذوق و سلیقه و نحوه تفکر از بزرگسالان خود فاصله می‌گیرند. فاصله سلیقه‌ای نسل‌ها در انتخاب غذا، موسیقی، لغات گفتاری، پوشش و نگرش نمود پیدا می‌کند. امروز نوجوانان و جوانان ما، کلماتی به کار می‌برند که والدین به سختی معانی آنها را درک می‌کنند. «از دهه نود میلادی، تغییرات به دلیل انقلاب صنعتی شتابنده شد و این شتابندگی انقلاب صنعتی، دگرگونی همه‌جانبه به دنبال داشت. تفاوت بین نسلی، امروز به پنج سال رسیده است؛ به این معنا که هر پنج سال، یک تفاوت نسل جوان رخ می‌دهد.»^۳

۱. علی اکبر علیخانی، گسست نسل‌ها، ص ۱۹۱.

۲. محمدحسین پناهی، «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، فصل‌نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۷، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴.

۳. خیرگزاری تسنیم، ۲۸ اردیبهشت، ۱۳۹۲، شناسه خیر: ۵۸۷۹۹.

مؤلفه‌های فاصله نسل‌ها

۱. کاهش ارتباط کلامی

یکی از مؤلفه‌های تشخیص بروز شکاف نسل‌ها، کاهش یا حتی از بین رفتن ارتباط کلامی یا گفت‌وگو میان نسل گذشته با نسل جدید است. امروز خانواده‌ها دیگر مانند گذشته دور یکدیگر جمع نمی‌شوند و هر یک از اعضای خانواده، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، مشغول فعالیت یا پرکردن اوقات فراغت خود با بازی‌های رایانه‌ای و تلفن همراه هستند و کمتر با والدین خود ارتباط کلامی برقرار می‌کنند.

۲. اختلال در فرآیند همانندسازی

اختلال در فرآیند همانندسازی، یعنی الگوپذیری نسل نوجوان و جوان از نسل قبلی که مهم‌ترین ویژگی ارتباط میان دو نسل است، در حالت گسست دچار وقفه می‌شود. در زمان‌های دورتر، دو نسل متواتر از یکدیگر الگوبرداری می‌کردند؛ یعنی جوانان، والدین را الگوی خود قرار می‌دادند، همانند آنان عمل می‌کردند و از تجربیات ارزشمندشان استفاده می‌کردند؛ ولی امروز دختران، دیگر مانند گذشته این کار را انجام نمی‌دهند؛ زیرا والدین خود را عقب‌تر از زمان حال می‌دانند و نقطه‌نظرها و پیشنهادهای آنان را قبول ندارند؛ لذا می‌روند سراغ شخصیت‌های دیگر که از طریق اینترنت، ماهواره و... معرفی می‌شوند. امروز فرزندان از شبکه‌های اجتماعی، رسانه و مدرسه تأثیر بیشتری می‌پذیرند تا از خانواده! در حقیقت، جوانان از نظر فیزیکی نزد خانواده هستند؛ اما از نظر ارزشی به بیرون تعلق دارند.

۲. بی‌تعمدی به فرهنگ خودی

پیشرفت فن‌آوری‌های نوین و گسترش وسایل ارتباط جمعی در جامعه، موجب

شده است که فرهنگ‌ها از مرزهای جغرافیایی کشورها فراتر رفته و بر فرهنگ دیگر کشورها اثر بگذارند؛ بنابراین با دور شدن دو نسل از یکدیگر، نسل جدید هیچ‌گونه تعهدی به فرهنگ خودی نشان نمی‌دهد.

۴. نداشتن درک متقابل دو نسل از یکدیگر

دو نسل (دختر و مادر)، زبان گفتار و رفتار یکدیگر را متوجه نشده و نداشتن درک متقابل از یکدیگر، موجب می‌شود دختر به پند و نصیحت‌های مادر اعتنایی نکرده، آنها را تاریخ‌گذشته دانسته و راه چاره را در مشورت با غیرخانواده جست‌وجو کند. این موضوع، می‌تواند عاملی برای بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و ناسازگاری دختران در محیط خانه باشد.

۵. نابردباری والدین

نسل جدید مانند هر نسلی، گاه خطا و لغزش‌هایی دارد؛ اما نسل گذشته که گذشته خود را به یاد نمی‌آورد، نمی‌تواند لغزش را امری طبیعی بداند و آن را قبول کند. این امر باعث عدم تحمل والدین در مقابل لغزش‌های دختران شده و هر لغزش کوچک برای آنان غیرقابل تحمل و شاید غیرقابل بخشش می‌شود!

۳. علل روانی

یکی از عوامل ناسازگاری دختران نوجوان با والدین، رسیدن آنان به سن بلوغ است که با برخی از بحران‌های روانی و تغییر هویت و شخصیت آنان همراه است. نوجوان با رسیدن به سن بلوغ و بحران هویت، رفتاری ناسازگار از خود نشان می‌دهد. این دوران از نظر جسمی، روانی و عاطفی موقعیت پیچیده‌ای را برای نوجوان ایجاد می‌کند؛ لذا نمی‌توان رفتارهای کودکان، یا بزرگسالان را از آنان انتظار داشت. در این سنین تغییر و تحولات بسیاری، هم از نظر جسمی و

هم عاطفی و روانی برای نوجوان ایجاد می‌شود. نوجوانان در این دوران، دچار نوعی بی‌ثباتی عاطفی، روانی و فکری می‌گردند که آن را «بحران بلوغ» می‌نامند. این بحران، دختران تازه به بلوغ رسیده را در وضعیتی مبهم و پیچیده قرار می‌دهد که نمی‌دانند چه باید بکنند. همین عدم اطمینان به نقش خود، موجب مشکلات زیادی برایشان می‌شود و آنان را زودرنج، دودل و بی‌ثبات می‌سازد. البته آزادی خواهی، استقلال طلبی و نوگرایی که از خصوصیات دوران بلوغ است نیز، می‌تواند منشأ این ناسازگاری باشد.

۴. علل تربیتی

افراط و تفریط در محبت، ناهماهنگی بین عاملان تربیتی در خانه، مدرسه و جامعه، مقایسه، تحقیر و سرزنش بیجا و فرق گذاشتن بین دختر و پسر، در به وجود آمدن ناسازگاری دختران مؤثر است. بسیاری از والدین، به اشتباه تصور می‌کنند فرزندان باید تنها شنونده‌های محض گفته‌های آنان باشند و گاه حتی حق کوچک‌ترین دخالت را هم درباره سرنوشت و آینده خودشان از آنها می‌گیرند. با این استدلال که فرزندان در هر سنی که باشند، باز هم بچه‌اند و بچه‌گانه رفتار می‌کنند و بدون حضور والدین، قادر نخواهند بود گلیم خود را از آب بیرون بکشند. در بسیاری اوقات، اعمال برخی مقررات خشک انضباطی و سخت‌گیرانه، برای تنظیم و کنترل دختران در خانه یا مدرسه و یا جامعه، زمینه را برای ناسازگاری فراهم می‌کند. خیلی از پدرها و مادرها، وقتی حرف از جنسیت فرزندان می‌شود، با تعارف و رودربایستی می‌گویند: «فرقی نمی‌کند یا هر چی خدا بخواهد»؛ اما ته دل بسیاری، هنوز پسر را بر دختر ترجیح می‌دهد. «براساس یک نظرسنجی اینترنتی، نزدیک به ۸۸ درصد مادران، اقرار کرده‌اند که با پسران خود به شیوه‌ای متفاوت رفتار می‌کنند و رفتار آنها تبعیض‌آمیز است. در

این نظرسنجی مشخص شد مادران، دختران خود را دو برابر بیشتر از پسران مورد انتقاد قرار می‌دهند. میزان انتقاد از دختران، ۲۱ درصد و از پسران، نزدیک به ۱۲ درصد است. بیش از یک‌پنجم مادران (۲۱/۵ درصد)، اعتراف کرده‌اند، در صورتی که پسر آنها شیطنت به خرج بدهد، آن را نادیده می‌گیرند؛ اما این موضوع دربارهٔ دختران، فقط ۱۷/۸ درصد است.^۱

بی‌شک، این خواستهٔ قلبی تمام والدین و دختران است که بتوانند ارتباطی مؤثر، سازنده و صمیمی با یکدیگر داشته باشند؛ طوری که فرزندان در هر سن و جایگاهی که قرار می‌گیرند، احترام موی سپیدشان را نگه‌دارند و به حرف‌هایی که از سر خیرخواهی و نصیحت‌هایی که از سر دلسوزی زده می‌شود، توجه کنند. از سوی دیگر والدین نیز، شخصیت دخترشان را به رسمیت بشناسند، آنها را درک کنند و نیازها، خواسته‌ها، افکار و احساسات آنها را به دیدهٔ احترام بنگرند. متأسفانه برخی از والدین، برای برخورد درست و سازنده با رفتارهای ناسازگارانهٔ فرزندشان، آمادگی و مهارت لازم را ندارند؛ از این رو، عده‌ای ضمن محکوم کردن خطاها و ناسازگاری‌های فرزندشان، به زور و تهدید متوسل می‌شوند! گروهی با طبیعی پنداشتن رفتارهای ناسازگارانهٔ فرزندانشان، پرچم تسلیم را بالا می‌برند و بعضی نیز با آزمون و خطا، تلاش می‌کنند، روش بهتری را برای کنترل آنان پیدا کنند. از آنجا که رفتار ناسازگارانهٔ نوجوانان، عکس‌العمل ناکامی و شرایط نامساعد محیطی آنان است، کاربرد اصول صحیح در تربیت، بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. در این باره، باید اقدامات اصلاحی برای فرد ناسازگار انجام گیرد.

نکتهٔ دیگر اینکه از آنجا که فرزندان تا حدودی آینهٔ رفتارهای والدین هستند.

ریشه‌های ناسازگاری نوجوان را باید در نوع و ماهیت رفتار والدین جست‌وجو کرد. رفتار والدین به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، مولد انواع ناسازگاری در رفتار دختران، به‌ویژه در دوران بلوغ و شروع مرحله عملی اجتماعی شدن است.

راه‌های مقابله با ناسازگاری دختران

۱. کاهش فاصله نسلی

فاصله نسلی، امری بدیهی است که در تمام جوامع، وجود داشته و دارد؛ اما شدت و قوت فاصله نسلی بسیار مهم است؛ چراکه اگر تعدیل و کنترل نشود، ممکن است به شکاف و گسست نسلی بینجامد. خوشبختانه شکاف میان نسل‌ها، هنوز در کشور ما ایجاد نشده است؛ اما همچنان کشمکش بین نسلی وجود دارد! تا فاصله نسلی کاهش نیابد، ناسازگاری‌ها و کشمکش‌ها ادامه خواهد داشت. کاهش فاصله نسلی، با مدیریت منطقی والدین انجام می‌گیرد.

۲. پذیرش تفاوت دو نسل

کشور ما کشوری جوان است و قسمت عمده جمعیت را جوانان تشکیل می‌دهند. اندیشه، روحیات و ظاهر جوانان با پدران و مادران خود، متفاوت است. روحیه جوان امروز به نوگرایی، گروه‌گرایی، میل به متفاوت بودن و همنوایی با دوستان، گرایش دارد. والدین و دختران، باید این واقعیت ساده را بپذیرند که پدر و مادر از یک‌سو و فرزندان جوان از سوی دیگر، متعلق به دو نسل متفاوت‌اند. با در نظر گرفتن این تفاوت، بروز اختلاف نظر و ناسازگاری میان آنها طبیعی است. باید میان نسل گذشته و حاضر، همدلی ایجاد کرد. یکی از عوامل این ارتباط متفاهم و متقابل، درک این دو قشر و نسل از یکدیگر است. اگر هر یک از این دو نسل، شرایط حاکم بر دیگری و فرهنگ خاص تربیتی هر

نسل را درک کنند، هم دیدگاهشان از هم روشن‌تر و شفاف‌تر خواهد شد، هم توقعات و انتظارات، واقعی و عینی از یکدیگر خواهند داشت.

خداوند دربارهٔ تنوعی که در ابعاد مختلف میان انسان‌ها وجود دارد، فرموده است:

«وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا»^۱ و به تحقیق، خداوند شما را به حالات و

هیئت‌های مختلفی آفرید.

بر این اساس، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ

زَمَانِكُمْ»^۲ آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید که

آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

۳. درک دختر جوان

شناخت صحیح والدین از حالات روحی و روانی فرزندان خود و تغییراتی که در شخصیت و رفتار آنان ایجاد می‌شود، تأثیر بسیاری بر برخورد متقابل آنان دارد. یکی از حالات روانی و عاطفی نوجوانان، پرخاشگری است؛ چون به کمک این مکانیسم، او خاطرات تلخ گذشته و ضعف و حقارت خویش را پنهان و از این طریق اطرافیان را متوجه قدرت و بزرگی خود می‌کند. از طرفی، حساسیت‌ها و هیجان‌ها با تغییرات و تحولات غدد داخلی و میزان ترشحات هورمون‌ها رابطهٔ مستقیم دارد. فعالیت‌های بدنی، ورزش و تفریح و انجام تکالیف دینی و عبادات، تأثیر فراوانی در حفظ تعادل عاطفی و کنترل خشم نوجوانان دارد. جوان با اظهار نظر در مسائل و بزرگ‌منشی، درصدد آزمایش دیگران و سنجش میزان

۱. نوح: آیه ۱۴.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

مقاومت آنهاست. والدین نباید به این پدیده با دیده تردید بنگرند و احساس نگرانی کنند. همان طوری که والدین در ایام کودکی از راه رفتن مستقل آنها استقبال می‌کردند، باید از استقلال‌خواهی جوانان خود نیز که نشانه سلامت جسم و جان آنان است، دلشاد باشند. اسلام بر قبول این واقعیت تأکید کرده و بر تشریک مساعی و مشورت با جوانان در مسائل زندگی اصرار می‌ورزد.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»^۱
 فرزند در هفت سال اول، سید و آقای والدین است؛ در هفت سال دوم، بنده مطیع و فرمان‌بردار پدر و مادر و در هفت سال سوم، وزیر آنان است.»

«رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با به کار بردن کلمه وزیر، از طرفی تشخیص طلبی و استقلال‌جویی جوان را مورد توجه قرار داده و او را در کشور کوچک خانواده وزیر مسئول شناخته است و از طرف دیگر، به پدر و مادر فهمانده که با جوان امروز، همانند بچه دیروز رفتار نکنید. بچه دیروز، بنده و مطیع شما بوده و جوان امروز، وزیر و مشاور شماست.»^۲

۴. گوش‌دادن به حرف دختر

برای رسیدن به تفاهم، استفاده از مهارت گوش‌کردن فعال، ضروری است. گوش‌دادن، مبنایی‌ترین راه برای از بین بردن بسیاری از سوءتفاهم‌هاست. بسیاری از دختران می‌گویند: «والدین به حرفشان گوش نمی‌دهند!» در حالی که گفت‌وگو خیابانی دوطرفه است. اگر والدین می‌خواهند دخترشان به حرفشان

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵.

۲. فلسفی، بزرگسال و جوان، ج ۱، ص ۴۲.

گوش دهد، باید به آنها اطمینان دهند که مشتاق شنیدن حرف‌های او هستند. شنیدن نظرهای متفاوت فرزندان، نشان‌دهنده آن است که برای آنها و نظرهایشان احترام و ارزش قائلیم.

۵. حرف‌زدن با دختر

از جمله عواملی که می‌تواند روز به روز فاصله دنیای والدین را از فرزندانشان بیشتر کند، حرف‌زدن است. بیشتر مشکلات و اختلافات بین والدین و دختران، از زمانی شروع می‌شود که کیمیای حرف‌زدن را از یاد ببرند و دختران این انتظار را داشته باشند که والدین، حتی اگر ما چیزی نگوییم باید بدانند مشکلمان چیست؟

در چندین سال پیش، اغلب فرزندان با مادرشان در خانه یا با پدرشان در مزرعه یا محل کار روزگار می‌گذراندند و با هم گفت‌وگو می‌کردند و اگر موانعی پیش می‌آمد، آن را از سر راه برمی‌داشتند؛ از این رو والدین قادر بودند به نیازها، آرزوها و شخصیت فرزندانشان پی ببرند. همچنین فرزندان وقت کافی برای شناختن بیشتر والدینشان داشتند؛ ولی امروز با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید، مانند موبایل به عرصه خانواده‌ها، والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. متأسفانه پایین آمدن مدت زمان گفت‌وگو بین افراد خانواده و فردیت‌گرایی، موجب شده تا فاصله نسلی بیش از پیش نمایان شود! کاهش ارتباطات کلامی میان اعضای خانواده، به مرز هشدار رسیده است و سلامت خانواده‌ها را تهدید می‌کند. براساس اظهارات رئیس انجمن مددکاری ایران، میانگین زمان گفت‌وگو در

خانواده‌های ایرانی، پانزده دقیقه است.^۱ در چنین خانواده‌ای، چگونه می‌توان امیدوار بود اعضای خانواده احساسات عاطفی و جامعه‌پذیری را تجربه کنند؟ البته کیفیت گفت‌وگوی والدین و دختر نیز بسیار مهم است. والدین در ارتباط و گفت‌وگو با دخترشان، باید به فکر «برد برد» باشند و سعی نکنند تنها حرف خود را بر کرسی بنشانند و اصطلاحاً برنده قاطع گفت‌وگو باشند؛ زیرا در طرف مقابل، احساسات منفی ایجاد می‌شود. نسل دیروز (والدین)، احساس دانایی و باتجربگی می‌کند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفت‌های روز است، در برابر آنها واکنش نشان می‌دهد و چون از پس منطق و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه آنها بر نمی‌آید، به لجبازی روی می‌آورد.

۶. ورود والدین به دنیای جدید دختران

والدین باید در زمینه تکنولوژی و منابع جدید مانند اینترنت، اطلاعات کسب کنند تا بهتر بتوانند دنیایی را که فرزندشان در آن بزرگ می‌شود، درک کنند. دختران هم می‌توانند با مطالعه منابع تاریخی و هم‌صحبتی با نسل قدیم، بستری را که نسل قدیم در آن رشد کرده، بشناسند تا بتوانند زمینه‌های مشترک بیشتری برای صحبت بیابند و از بروز کشمکش پیش‌گیری کنند.

۷. دوست‌شدن با فرزند

هیجانان‌درونی مختص سن نوجوان و دوران بلوغ، دختر را نیازمند محبت و حمایت عاطفی می‌کند؛ اگرچه ممکن است این نیاز را به‌صورت مستقیم مطرح نکنند و اصلاً آشکار نسازد. استفاده مداوم و همه‌جانبه از تحکم و زور در برابر

فرزندان، باعث طغیان آنان می‌شود.

امام علی علیه السلام فرموده است:

«قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِيَةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛^۱ دل‌های انسان‌ها

وحشی‌اند؛ پس به کسی روی می‌آورند که با آن‌ها انس گیرند.»

در موارد متعددی، می‌توان مشکلات جدی فرزندان را تنها با تذکری آرام و

برخوردی صمیمانه و به دور از خشونت از بین برد.

همچنان که هیچ‌گاه فندق را با پُتک نمی‌شکنند. مادری که همیشه با زبان

سرزنش و توبیخ با دخترش حرف می‌زند و همیشه بین حرف‌های دخترش،

دنبال چیزی برای مچ‌گیری و ملامت او می‌گردد، قطعاً نمی‌تواند دوست

دخترش بشود!

۸. احترام به دختر

متأسفانه، گاهی پدران و مادران نظرها، رغبت‌ها و علائق خود را بر فرزندان

تحمیل می‌کنند و حتی بدون توجه به سن و موقعیت آنان، رنگ و مدل لباس برای

آنها انتخاب می‌نمایند. در چنین موقعیتی، بروز رفتارهایی از قبیل لج‌بازی،

مقاومت منفی و سرکشی قابل پیش‌بینی است. تحکم بی‌منطق برای نوجوان،

حتی اگر پذیرفته شود، در جایی دیگر رفتار تهاجمی وی را در پی خواهد داشت.

مادر نباید افکار غلط و انحرافی درباره‌ی دختر خود داشته باشد؛ برای مثال، نگوید

فرزندم این کار را می‌کند تا حرص مرا دریاورد یا او باعث تمام مشکلات در

خانه است. چنین افکاری، زمینه‌ی ناسازگاری او را فراهم می‌سازد.

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۵۰، ص ۴۷۸.

۹. همدلی

نسل‌ها به شرطی می‌توانند به هم نزدیک شوند که بتوانند خود را به جای دیگری قرار دهند؛ یعنی بتوانند آسیب‌های اجتماعی را از نگاه نسل دیگر بررسی و واکاوی کنند. نگاه همدلانه به یکدیگر داشتن، یعنی به رسمیت شناختن ارزش‌های نسل دیگر. نمی‌توان تنها از نسلی انتظار داشت که به نفع نسل دیگر رفتار همدلانه پیش گیرد. برای نزدیک شدن نسل‌ها، هر دو باید از رفتار مبتنی بر تعصب پرهیزند. در این رابطه، جریان همدلی حضرت ابراهیم علیه السلام با مشرکان قابل تأمل است؛ زمانی که ایشان به‌جای مخالفت و جبهه‌گیری سریع، استدلال آورد:

«فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأَجِبُ
الْآفَلِينَ * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ
يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِعَةً
قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا
تُشْرِكُونَ»^۱ وقتی (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای دید و
گفت که این خدای من است. اما وقتی غروب کرد، گفت که
غروب‌کنندگان را دوست ندارم! پس چون ماه را در حال طلوع و
شکافنده افق دید، گفت که این پروردگار من است و چون غروب
کرد، گفت که حَقًّا اگر پروردگارم مرا هدایت نکند، حتماً از گروه
گمراهان خواهم بود. چون خورشید را در حال برآمدن و
درخشان دید، گفت که این پروردگار من است؛ این بزرگتر است!
و چون غروب نمود، گفت که ای قوم! قطعاً من از آنچه شریک
(خداوند) قرار می‌دهید، بیزارم.»

۱۰. جلب اعتماد دختر

«اعتماد»، پلی دوطرفه است! دختر تا زمانی که باور نکند والدین به او اعتماد دارند، به پدر و مادر خود اعتماد نخواهد کرد. لازم است والدین، نگاه بالا به پائین به دخترشان نداشته و رابطه‌ای صمیمی و دوستانه برقرار کنند تا بتوانند اعتماد او را جلب کنند و به جای نه گفتن به خواسته‌های معقول فرزندشان، کمی فکر کرده و راه‌های تسهیل انجام آن را با شرایط صحیح فراهم آورند.

۱۱. پرهیز از نصیحت مستقیم

جوانان از شنیدن نصیحت و اندرز مستقیم گریزان هستند. نوجوانان اعمال خود را بی نقص می‌دانند و پند و اندرز مستقیم را بر نمی‌تابند. امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «النَّصِيحَةُ خَشِيئَةٌ»^۱ نصیحت (مستقیم) ناخوش‌آیند و تلخ است. والدین برای اصلاح رفتار دختران، باید از روش غیرمستقیم، مانند شیوه «به در بگو، تا دیوار بشنود»، استفاده کنند تا از مقاومت روانی فرزندشان کاسته شود. در صورتی هم که مجبور شوند به‌طور مستقیم اشکالات او را بگویند:

اولاً: به کمترین مقدار بسنده کنند؛ چراکه امام علی علیه السلام فرمود: «الإفراطُ في الملامة يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ»^۲ زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد.»

ثانیاً: پیش از انتقاد، از او اجازه بگیرند؛

ثالثاً: ابتدا نقاط مثبتش را بگویند؛

رابعاً: به جای پیام «تو»، از پیام «من» استفاده کنند. در پیام «تو» (توبی‌نظمی)، اشکال را متوجه فرزند می‌کنند؛ اما در پیام «من» (وقتی می‌بینم لباس‌هایت را

۱. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۰.

۲. تمیمی آمدی، غررالاحکم و دررالکلم، ص ۲۲۳.

می‌ریزی، ناراحت می‌شوم) احساس خودشان را بیان می‌کنند که تأثیر افزون‌تری دارد؛

خامساً: از «رفتار» فرزندشان انتقاد کنند و «خودش» را به باد انتقاد نگیرند.

۱۲. گذشت از لغزش‌های دختران

پدران و مادران، باید بدانند که وضع آشفته روحی دختر جوانشان، پدیده‌ای طبیعی است و چه بسا ممکن است از روی جهالت و ندانم‌کاری، خطاهایی از او سربزند! آنها باید با صبر، ظرافت و درایت، اشکالات فرزندشان را نادیده گرفته و به‌طور ماهرانه‌ای برطرف کنند. هرگز نباید حجم انتقادات، با حجم اشتباهات، برابری کند؛ وگرنه این نوع رفتار، مشکل‌آفرین می‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «جهلُ الشَّبابِ معذورٌ علمُهُ مَحْقُورٌ»^۱ ناآگاهی نوجوانان پذیرفته و آگاهی و دانش آنان ناچیز است.»

سخنی با دختران جوان

یکی از دیرپاترین و سرنوشت‌سازترین ارتباط‌ها، همراهی و هم‌زیستی انسان با پدر و مادر است. دختران جوان برای برقراری ارتباطی عاطفی با والدین، لازم است همواره به نکات زیر توجه داشته باشند:

۱. هرچند والدین در بعضی اوقات در برخورد با فرزندان خود دچار اشتباه می‌شوند، در همه حال ما وظیفه داریم به آنها احترام بگذاریم؛ حتی اگر آنان به ما بی‌احترامی کنند. در اسلام، احسان و تکریم والدین از جایگاه بسیار بلندی برخوردار است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَاهُ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا، إِمَّا يَبْلُغَنَّ
عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ
لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛^۱ پروردگار تو فرمان داد که جز او را نپرستید و به
پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از ایشان یا هر دو نزد تو به
پیری رسند، به آنها أُف (سخن ناخوش) مگو و بر آنان بانگ و
فریاد مزن و با ایشان گفتار نیکو بگو.»

برخورد پسندیده براساس عرف هر جامعه و به‌کارگیری واژگان زیبا و شیوا،
تواضع و فروتنی در برابر آنان، مهربانی و محبت، دعای خیر برای ایشان، دوری
از درشت‌گویی یا حتی به‌کار نبردن واژه اف، خسته شدم، آخ و دیگر اصوات
ناجوری که ایشان را ناخوش آید، از جمله روش‌های احسان، اکرام و احترام به
پدر و مادر است. فرزندان باید از جدل و بحث‌های بیهوده که ممکن است به
تیرگی روابط منجر شود و موجب ناراحتی پدر و مادر گردد، اجتناب ورزند؛
یعنی برای پدر و مادر حریم قائل شوند و شرایط سنی آنها را در نظر بگیرند. این
دستور قرآنی، مطلق است؛ یعنی به هر مادر و پدری باید احترام کرد، خواه با
انسان رفتار خوبی داشته باشند و خواه بد! امام باقر علیه السلام فرمود:

«ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُحْصَةً أَدَاءَ الْإِمَانَةِ إِلَيَّ
الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ بُرِّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا
أَوْ فَاجِرَيْنِ؛^۲ سه چیز است که در آنها خداوند - عَزَّ وَ جَلَّ - برای
کسی رخصتی نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدرفتار،

۱. اسراء: آیات ۲۳ و ۲۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

وفای به عهد (همین طور) به نیکوکار و بدرفتار و خوش رفتاری با والدین، چه آن دو نیکوکار باشند چه فاجر!»

فریادزدن، درستی کردن، اف و اخ کردن، اعتراض نمودن، دشنام و ناسزا دادن، پیشی گرفتن از ایشان در نشستن و درازکشیدن و امور دیگر، می تواند از مصادیق بی احترامی به آنها باشد که باید از آنها پرهیز کرد. گفته اند که یکی از مراجع بزرگوار نجف اشرف که هر روز بالای منبر درس می گفت، روزی بر زمین نشست و تدریس کرد. پس از درس، شاگردان از او پرسیدند: «چرا امروز بر فراز منبر نرفتید؟» پاسخ داد: «امروز پدرم که در ایران پیشه کشاورزی دارد، به مجلس درس آمده بود و من نخواستم بالاتر از او بنشینم.»^۱

امام سجاد علیه السلام، در دعای بیست و چهارم صحیفه سجاده می فرماید:

«خداوند! چنان کن که از هیبت پدر و مادرم همانند هیبت سلطان مستبد، هراسان باشم و به هر دو، چونان مادری مهربان نیکی کنم و در نظرم طاعت و فرمانبرداری از آنان و نیکی ام به ایشان را، از لذت خواب، شیرین تر و برای عطش سینه ام، از شربت گوارا در کام شخص تشنه، خنک تر گردان، تا میل و خواسته ایشان را بر میل و خواسته خویش مقدم بدارم و خشنودی آنان را بر رضای خویش ترجیح دهم و نیکی ایشان را در حق خود، هرچند اندک، زیاد بینم و نیکی خویش در حق ایشان را هرچند بسیار، اندک شمارم.»^۲

۲. دختران می توانند با ایجاد فضای عاطفی و نزدیک با پدر و مادر خود، نگرش آن ها را به خود تغییر داده و اصلاح کنند. اگر بتوانید بلوغ فکری، عقلی و

۱. پایگاه خبری قدس آنلاین، کد خبر ۲۰۹۲۷۰، مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۱.

۲. صحیفه سجاده، ص ۱۱۶.

رفتاری خود را در صحنه عمل و در واکنش‌های خود، به آنها نشان دهید، خود به خود آنان نیز طرز رفتارشان را تغییر خواهند داد.

۳. آنچه شما آن را دخالت در امور شخصی‌تان تلقی می‌کنید و مانع استقلال‌خواهی می‌دانید، از نگاه پدر و مادرتان، دل‌سوزی و علاقه شدید به شماست و مطمئن باشید که دل‌سوزترین افراد، پدر و مادرند؛ هرچند برخی رفتارهایشان را نپسندیم یا واقعاً هم صحیح نباشند. هرگز هیچ پدر یا مادری، قصد سوءاستفاده از فرزند خود ندارد!

۴. به والدین‌تان نزدیک‌تر شوید. برای این کار لازم نیست آزادی‌ها و استقلال مشروع خود را از دست بدهید و فقط تن به خواسته‌های آنها بدهید؛ بلکه کافی است درک کنید دغدغه‌های آنان چیست، به قضایا چگونه نگاه می‌کنند و در ذهنشان چه می‌گذرد. برای رسیدن به آن هم، کافی است با آنها گفت‌وگو کنید و در اوقاتی که با هم می‌گذرانید، درباره مطالب و نقطه‌نظرهای خود با آنان سخن گویند.